

یادداشت؛

اتحادیه کشورهای عربی؛ از طرح انگلیس تا طرح سازش



روند شکل‌گیری و فراز و نشیب‌های اتحادیه عرب طی هفتاد و پنج سال را در این یادداشت بررسی می‌کنیم.

در پی انصراف رییس دولت خودگردان فلسطین محمود عباس، از ریاست دوره‌ای اتحادیه کشورهای عربی بدلیل سازش دو کشور عضو این اتحادیه یعنی امارات متحده عربی و بحرین با رژیم صهیونیستی و زمزمه‌های پیوستن برخی دیگر از اعضای آن به کاروان سازش؛ ساختار سست و بی‌رمق این تشکیلات، ضربه‌ای دیگر را بر کالبد خود احساس نمود تا بتوانیم در یک کلام صدای نفس‌های آخر آن را بشنویم لذا بر آن شدیم تا هر چند مختصر و گذرا نگاهی به روند شکل‌گیری و فراز و نشیب‌های این اتحادیه طی هفتاد و پنج سال را داشته باشیم.

از اندیشه تأسیس تا عمل

شاید برای برخی و در وهله نخست تعجب آور باشد که بدانند اولین شخصی که بطور رسمی از ضرورت وجودی یک تشکیلات سیاسی که باعث یکپارچگی کشورهای عربی گردد سخن به میان آورد یک سیاستمدار و یا رهبر و یا رئیس دولت عربی نبود بلکه وزیر وقت امور خارجه بریتانیا « آنتونی ایدن» آنهم در اوج جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱ میلادی بود که طی سخنانی رسمی کشورهای عربی را به تلاش برای تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فی مابین دعوت نمود!!! بگونه‌ای که خطاب به رهبران عرب اظهار داشت که بریتانیا از هرگونه تلاشی جهت تقویت پیوندهای مشترک کشورهای عربی استقبال و حمایت می‌کند؛ تا جایی که حتی قول اعطای استقلال پس از جنگ جهانی را به آن کشورها داد تا به سمت تشکیل این اتحاد و تشکیلات گام بردارند.

برخی از تحلیلگران معتقدند که هدف بریتانیا از طرح چنین موضوعی آنهم در آن برهه از زمان تلاش دو استعمارگر بریتانیا و فرانسه جهت جلوگیری از وقوع هرگونه ناآرامی داخلی در کشورهای مستعمره خود بوده تا جلوی نفوذ و فشار آلمان نازی را بدینصورت بگیرند.

در این راستا و در مدت زمانی کمتر از یکسال بعد از سخنان آیدن ، نخست وزیر وقت مصر مصطفی النحاس هم‌تای سوری خود جمیل مردم بك و رئیس تجمع میهنی لبنان بشاره خوری را برای بحث و تبادل نظر پیرامون این موضوع به قاهره دعوت نمود که این امر منجر گردید تا جلسات مشورتی بین نمایندگان کشورهای مصر، عراق، سوریه، لبنان، عربستان سعودی، اردن و یمن برگزار گردد که نتیجه این نشست ها و مذاکرات ارائه سه طرح و ساختار برای اجرای طرح بریتانیایی بود که عبارت بودند از:

- وحدت « سوریه بزرگ » به رهبری شاهزاده عبدالله بن الحسین اردنی و با پشتیبانی نخست وزیر وقت عراق نوری السعید، که پیشنهاد دهندگان این طرح اجرای این وحدت را در نهایت وحدت و یکپارچگی کشورهای مشهور به هلال الخصیب [۱] عنوان کردند.

- تشکیل دولت واحد و یکپارچه متشکل از کشورهای هلال الخصیب به رهبری عراق.

- وحدت کشورهای مصر و سوریه و یمن به اضافه کشورهای هلال الخصیب.

در خصوص سه طرح یاد شده بالا ، موافقان و مخالفان به دو دسته کلی تقسیم شدند که : دسته ای معتقد بودند که باید يك اتحادیه واحد فدرالی با رهبری واحد برای تمامی کشورها تشکیل گردد که اوامر و تصمیمات گرفته شده برای کشورهای عضو لازم الاجرا باشد؛ گروه دیگری بر این اعتقاد بودند که باید با هدف همکاری و هماهنگی بین کشورهای عربی مبادرت به تاسیس اتحادیه ای نمود که هر کشوری بطور جداگانه دارای استقلال و تمامیت ارضی خود باشد. که در نتیجه اندیشه دوم توانست رضایت اکثریت را جلب نماید.

در ابتدا پیرامون نامگذاری این اتحادیه اختلافاتی پیش آمد و بین «پیمان عربی» و « اتحاد عربی» و چند نام دیگر بحث و تبادل نظر شد، در نتیجه کشورها به پیشنهاد هیات مصری مبنی بر نامگذاری آن بعنوان « اتحادیه عرب» رای مثبت دادند که البته بعدها با اندک تغییری واژه « کشورها » نیز به آن اضافه گردید تا طی نشستهای در بندر اسکندریه مصر « اتحادیه کشورهای عربی » با صدور شیوه نامه ای بعنوان نخستین سند رسمی مجموعه کشورهای عربی اعلام موجودیت نماید؛ متن چهار ماده ای پروتکل یاد شده عبارت بود از:

۱- اعلام تاسیس اتحادیه کشورهای عربی بعنوان يك مجموعه متشکل از کشورهای مستقل عرب که با اراده خود به عضویت آن در آمده اند این اتحادیه دارای شورایی می باشد که تمامی اعضای اتحادیه و به يك اندازه در آن نماینده دارند.

۲- شورای اتحادیه جهت اجرای مصوبات کشورهای عضو از جمله توافقنامه ها، برپایی نشست های دوره ای جهت تحکیم روابط قی مابین، هماهنگی در سیاست های موجود به جهت تحقق همکاری های فی مابین، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورها و دفاع از هرگونه تجاوز و تعدی از طریق ابزارهای سیاسی موجود و بالاخره توجه به امور کلی کشورهای عربی خواهد کوشید.

۳- تصمیمات شورا از سوی کشورهایایی که آن را پذیرفته اند لازم الاجرا می باشد از جمله اینکه چنانچه دو کشور عضو بر سر موضوعی به اختلاف بیفتند و به اتحادیه روی آورند تا مشکل را حل و فصل نماید در اینصورت هر تصمیمی که شورای اتحادیه اتخاذ نماید برای طرفین لازم الاجرا می باشد.

۴- کشورهای عضو اتحادیه برای حل اختلافات، حق بکارگیری قدرت را ندارند، همچنین کشورهای عضو مجاز به پیروی از سیاست خارجه ای نیستند که با سیاست های اتحادیه یا هر يك از اعضای آن تعارض داشته باشد.

همچنین پروتکل یاد شده دارای چند تصمیم ویژه نیز می باشد که عبارتند از : ضرورت احترام به استقلال و تمامیت ارضی لبنان؛ و در بندی دیگر فلسطین بعنوان رکن مهمی از ارکان کشورهای عربی بشمار می رود که باید حقوق عرب ها در آن مورد تعدی و تجاوز قرار نگیرد و صلح و استقلال آن در جهان عرب

باید حفظ گردد لذا بر کشورهای عربی است که قضیه عرب های فلسطین را برسمیت شناخته !! و جهت احقاق حقوق حقه آنان تلاش نمایند.

این شیوه نامه که بعدها زیر بنای « منشور اتحادیه کشورهای عربی » نیز گردید در سال ۱۹۴۴ ابتدا توسط کشورهای مصر، عراق، سوریه، لبنان و پادشاهی اردن به امضاء رسید و سپس در اوایل سال ۱۹۴۵ دو کشور عربستان سعودی و یمن به آن ها اضافه گردیدند.

کشورهای مؤسس این اتحادیه در ماه مارس ۱۹۴۵ (قبل از تأسیس سازمان ملل متحد) از منشور اتحادیه در قاهره رونمایی کردند که متشکل از یک مقدمه ، ۲۰ بند و سه ضمیمه بود که طی مراسمی در قاهره نمایندگان کشورهای عربی آن را امضاء نمودند؛ اتحادیه کار خود را با ۷ عضو مؤسس آغاز نمود و امروزه با ۲۲ عضو [۲](آخرین آنها کشور جزایر قمر که در سال ۱۹۹۳ به عضویت در آمد) به کار و حیات خود ادامه می دهد.

تشکیلات و ساختار اتحادیه از سه رکن اصلی : شورا ، کمیته های تخصصی دائمی و دبیرخانه تشکیل می گردد که بالاترین بخش تصمیم گیرنده همانا شورای اتحادیه می باشد که متشکل از نمایندگان رسمی و سطح بالای کشورهای عضو می باشد.

شایان توجه است، در سال ۱۹۵۰ میلادی « پیمان مشترک دفاعی » و « قرارداد همکاری های اقتصادی مشترک » بین کشورهای عضو منعقد و بر اساسنامه اتحادیه اضافه گردید.

شرایط عضویت در اتحادیه و بحران های تاریخی آن

منشور اتحادیه بر کشورهای مایل به عضویت در این تشکیلات، شروطی را تعیین کرده است که از جمله مهم ترین آن ها اینست که زبان رسمی کشورهای عضو اتحادیه باید زبان عربی باشد و اضافه بر آن باید کشوری مستقل ، دارای رسمیت در بین کشورهای عربی و مدافع قومیت عرب باشد.

عضویت در اتحادیه کشورهای عربی به دو نوع تقسیم شده است که عبارت است از عضویت اصلی و عضویت گرايشی؛ بعبارتی هفت عضو مؤسس و بنیانگذار این اتحادیه اعضای اصلی و بقیه اعضای هستند که پس از تأسیس به تناوب به این اتحادیه گرویدند.

آنچه که در ادامه بصورت سریع و گذرا مرور خواهیم کرد مهم ترین تصمیمات، بحران ها و اختلافاتی است که در بین اعضای این اتحادیه از بدو تأسیس تاکنون پیش آمده است:

- بر اساس شروط یاد شده ، پیوستن دو کشور سومالی و جیبوتی به این اتحادیه بدلیل اینکه زبان رسمی این دو کشور عربی نمی باشد تا مدتی مورد اختلاف اعضای اصلی بود اما با استدلال بر اینکه اصالت مردمان این دو کشور عربی است در نهایت با عضویت آنان موافقت گردید.

- در سال ۱۹۶۱ میلادی کشور عراق به درخواست انضمام کویت به اتحادیه اعتراض نمود و اذعان نمود که کویت بخشی از سرزمین عراق بشمار می رود !! به همین جهت از جلسه رای گیری کنار کشید اما بعدها و با رعایت بند ۷ منشور اتحادیه مبنی بر احترام گذاشتن به تصمیمات مصوب اکثریت اعضا، بر تأیید عضویت کویت گردن نهاد.

- در سال ۱۹۵۲ میلادی شورای اتحادیه قطعنامه ای را به تصویب رساند که بر مبنای آن ، نماینده فلسطین در اتحادیه، نماینده کل اراضی فلسطین بشمار می رود و متعلق به فقط اراضی عرب نشین این سرزمین نمی باشد.

- در سال ۱۹۶۴، در نخستین نشست سران کشورهای عربی که در قاهره برگزار گردید شرکت کنندگان ضمن به رسمیت شناختن « سازمان آزادیبخش فلسطین »، رئیس این سازمان را نماینده رسمی فلسطین در اتحادیه کشورهای عربی تصویب نمودند.

- پس از اشغال بخشی از اراضی فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، در بین اعضای اتحادیه اختلاف در خصوص نماینده فلسطین پیش آمد مبنی بر نقض قانون تمامیت ارضی که از جمله شروط عضویت می

باشد، تا اینکه در سال ۱۹۷۳ و پس از جنگ اکتبر عرب ها با رژیم صهیونیستی، پادشاهان و روسای جمهور کشورهای عربی در نشست سران دارالبیضاء مراکش علاوه بر اینکه مجددا سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان یگانه نماینده رسمی فلسطین در اتحادیه به رسمیت شناختند در همان سال این سازمان را بعنوان تنها نماینده رسمی فلسطین در سازمان ملل و سایر مجامع بین المللی معرفی کردند.

- در سال ۱۹۷۶، به پیشنهاد کشور مصر، سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان نماینده دائمی و با تمامی اختیارات از جمله حق رای و اعتراض به عضویت رسمی اتحادیه کشورهای عربی در آمد.

- در سال ۱۹۷۹، پس از امضای قرارداد کمپ دیوید و برقراری روابط رسمی بین مصر و رژیم صهیونیستی، سایر اعضای اتحادیه رای به تعلیق عضویت مصر و انتقال دبیرخانه دائمی اتحادیه به کشور تونس دادند که این تعلیق تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت و دبیرخانه نیز از سال ۱۹۹۰ مجددا به قاهره انتقال یافت.

- در سال ۱۹۹۰، تجاوز عراق علیه کویت که منجر به دخالت نیروهای نظامی کشورهای غربی گردید (به درخواست رسمی کشور عربستان به بهانه محافظت از مرزهای خود با عراق و کویت) باعث ایجاد شکاف در بین اعضای اتحادیه گردید چرا که برخی از کشورها همچون مصر، سوریه، مراکش و کشورهای حوزه خلیج فارس با این دخالت نظامی موافقت نمودند و کشورهای هم چون اردن، لیبی، الجزایر، سودان، یمن، موریتانی و فلسطین مخالف حضور نیروهای غربی بودند؛ شایان یادآوری است در جریان آزاد سازی کویت در کنار نیروهای غربی، نیروهایی از کشورهای مصر، سوریه و مراکش نیز حضور یافتند.

- در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی، در پی آغاز اعتراضات مردمی در برخی از کشورهای عربی که به «بهار عربی» یا بیداری اسلامی شهرت یافت، اتحادیه کشورهای عربی بخاطر بکار بردن خشونت از سوی نیروهای دولتی معمر قذافی در برابر مردم عضویت کشور لیبی را تعلیق نمودند و در ادامه از شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز خواستند تا آسمان لیبی را منطقه پرواز ممنوع اعلام نماید؛ البته عضویت لیبی پس از سقوط قذافی و روی کار آمدن شورای انتقالی ملی در این کشور مجددا از سر گرفته شد.

- در سال ۲۰۱۱، با بالا گرفتن ناآرامی ها در کشور سوریه، اعضای اتحادیه در اعتراض به حملات نظامی نظام سوریه علیه مطالبات بر حق مردمی (به تعبیر اعضای اتحادیه) عضویت کشور سوریه در این تشکیلات به حالت تعلیق در آوردند که تاکنون نیز ادامه دارد.

- و بالاخره در سال ۲۰۲۰ میلادی و در ماه های اخیر، پس از برقراری روابط رسمی بین امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی، طرح ارائه شده از سوی فلسطینی ها مبنی بر محکومیت عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی از سوی اعضاء اتحادیه از دستور کار جلسات خارج گردید که به جرات می توان این اقدام را به مثابه شلیک تیر خلاص بر کالبد بی رمق اتحادیه کشورهای عربی بشمار آورد.

و سخن آخر اینکه:

عرب ها مقوله مشهوری دارند که می گویند: «به توافق رسیدیم که توافق نکنیم» (اتفقا کی لا تنفق) که مثال واضح و آشکار و عملی این مقوله را می توانیم در عمر ۷۵ ساله اتحادیه کشورهای عربی شاهد باشیم، البته ساده انگاری است چنانچه بخواهیم عامل خارجی را در این امر نادیده بینگاریم بویژه نقش کلیدی و تاثیر گذار و حتی میتوان گفت آمرانه دو قدرت استعماری انگلیس و فرانسه در کشورهای عربی که پس از جنگ جهانی دوم شکل نوین به خود گرفت بدون شك در ایجاد تناقضات و اختلافات موجود بین کشورهای عربی نقش آفرینی کرده و می کند.

همزمانی دو طرح یعنی تشکیل اتحادیه کشورهای عربی و همچنین ایجاد غده ای سرطانی بنام رژیم صهیونیستی در منطقه ای سرشار از منابع طبیعی و ثروت های انباشته شده، آنهم از يك سرچشمه و فکر که همانا انگلیس می باشند حتما تصادفی نبوده و نیست؛ از آن جایی که تداوم حیات و رشد این غده سرطانی منوط بر وجود کشمکش های منطقه ای و ناامنی بوده و هست لذا کشورهای غربی و استعماری از همان ابتدای تاسیس این رژیم بگونه ای هدفمند و با ابزار های فرهنگی و علمی شروع به رخنه در میان جوامع عربی کردند و ثقل کار خود را بر کادرسازی بومی نهادند، فرزندان خاندان های حاکم و شخصیت های تاثیر گذار در این جوامع جذب دانشگاه ها و محافل علمی پر زرق و برق غرب

شدند تا نتیجه آن را امروزه به وضوح با روی کار آمدن همان نسل و نسل های دست آموز بعدی و با ظهور محمد بن سلمان ها و محمد بن زاید ها و امثال آنان شاهد باشیم؛ از سویی دیگر با ابزارهایی همچون آموزش زبان های بیگانه و البته پر کاربرد، مدرنیزه سازی ظواهر جوامع و نه زیر ساخت ها، تبدیل انسان عربی به یک مصرف گرای محض و گرایش به زندگی های تجملاتی، به درون جوامع عربی نفوذ کرده و طی بیش از نیم قرن جنگ نرم و شبیخون فرهنگی، نوعی استحاله فرهنگی را در اغلب این جوامع بوجود آوردند تا امروزه بتوانند هرگونه که بخواهند بر سرنوشت انسان عرب و سرمایه های آن چیره گشته و هدایتگر آنان از دور و نزدیک باشند، در این بین البته بودند و هستند اندیشه های آزاد اندیش و استقلال طلبی که به بهانه های مختلف و به بدترین اشکال موجود سرکوب شده و می شوند.

درست است که اغلب درگیری ها و جنگ ها و اختلافات بر سر کسب منافع بیشتر اقتصادی در گوشه و کنار جهان بویژه در منطقه پر از منابع و ثروت غرب آسیا و شمال آفریقا رخ داده و می دهد اما سال هاست که نظام سلطه به نتیجه ای کاملاً ملموس رسیده است که بدون نفوذ فرهنگی و بدون دیپلماسی عمومی و جنگ نرم نمی تواند به اهداف طمع کارانه اقتصادی خود براحتمی نائل آید از اینروست که بطور جدی برای ایجاد و راهبری مراکز مطالعاتی و انجام پروژه های تحقیقاتی، تاسیس و راه اندازی دانشگاه ها و موسسات علمی، نشر و توزیع محتوای هدفمند، ایجاد جاذبه های فرهنگی و گردشگری در قالب نگاه غربی خود و در راس همه آن ها کادرسازی از بین فرزندان جوامع هدف، بودجه های کلان و سنگینی صرف کرده و می کند چرا که می داند چندین برابر آن را در سال هایی نه چندان دور از درون همان جوامع بدست خواهد آورد همانگونه که در این سال ها بدست آورده است.

یکی از نتایج آشکار نفوذ فرهنگی غرب در جوامع عربی عقیم و بی تاثیر شدن موسسات و تشکیلاتی همچون اتحادیه کشورهای عربی و امثال آن می باشد که عرب جنگجو و سخت کوش و مقاوم و صاحب فکر و اندیشه را تبدیل به عنصری بی اراده، تابع محض، رفاه طلب و عاری از هرگونه نوآوری و ابداع نماید البته این بدان معنا نیست که در درون این جوامع هیچ مقاومتی در عرصه فکر و اندیشه برای مقابله با نظام سلطه وجود ندارد که برعکس، جنبش ها و تحركات بویژه دهه اخیر در کشورهای عربی چه نام آن را بهار عربی بگذاریم و چه بیداری اسلامی خود نشان از زنده بودن اندیشه حیات با کرامت و مقاومت در برابر ظلم و ستم را دارد که چنانچه درست شناسایی و هدایت گردند و به دامان افراط و تفریط های قومی و مذهبی کشیده نشوند (که متأسفانه برخی شده اند)، برای فردای این جوامع آینده ای همراه با عزت و خودکفایی و استقلال و کرامت میتوان متصور بود.

در این بین مهم آنست که ایران اسلامی، ایران انقلابی، بعنوان یکی از مهم ترین و بزرگترین رویدادهای اجتماعی و فرهنگی منطقه و جهان در سال های اخیر، از غافله مهم و راهبردی تعاملات فرهنگی و دیپلماسی عمومی در منطقه و جهان بویژه کشورهای عربی و اسلامی عقب نماند که قطار سریع پیشرفت و توسعه فرهنگی و اجتماعی در این کشورها بدون وقفه در حرکت است و چنانچه می خواهیم یکی از سرنشینان تاثیرگذار در این چرخه باشیم با هیچ بهانه ای نمی توانیم کار و فعالیت فرهنگی را متوقف و یا حتی به «شاید وقتی دیگر» بسپاریم.

انور حبیبی نجفی

[۱] - اصطلاحی جغرافیایی و قدیمی که به کشورهای بلاد شام (سوریه، لبنان، فلسطین و اردن امروزی) و بین النهرین (عراق امروزی) اطلاق می گردید.

[۲] - اعضای اتحادیه عبارتند از: اردن، امارات، بحرین، تونس، الجزایر، جیبوتی، عربستان سعودی، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عمان، فلسطین، قطر، جزایر قمر، کویت، لبنان، لیبی، مصر، مراکش، موریتانی و یمن.

انتهای پیام/